

آرشیو ملی یا اسناد ملی؟

صفیه اکرمی *

علی سوری **

چکیده

در سراسر جهان، سازمانها و مؤسساتی تأسیس شده که وظیفه آنها جمع‌آوری، سازماندهی، نگهداری و اطلاع‌رسانی اسناد می‌باشد که آن اسناد را، افراد کشوری تولید کرده‌اند یا درباره آنان پدید آمده است. این گونه سازمانها، در کشورهای مختلف با عنوانهای متفاوتی همچون مرکز اسناد ملی، مرکز مدارک ملی، مرکز مدارک و اسناد ملی، سازمان اسناد ملی، آرشیو ملی، سازمان آرشیو ملی، مرکز آرشیو ملی و مانند اینها، خوانده می‌شوند. وظایف و اهداف تمامی این سازمانها - صرف‌نظر از کشوری که به آن تعلق دارند - یکسان است. در این مقاله، سعی خواهد شد، نخست وجوه مشترک و متمایز آرشیو و اسناد مشخص شود. آنگاه نامگذاریهای متفاوت در این زمینه بررسی گردد. سپس عنوانی درخور و گویا برای این موضوع در کشورمان پیشنهاد شود.

کلید واژه‌ها:

آرشیو / اسناد / آرشیو ملی / اسناد ملی / سند

* دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهراء.

** کارشناس ادبیات فارسی. al_sour1339@yahoo.com

مقدمه

سازمانهای مسئول حفظ و نگهداری اسناد، مدارک ارزشمند و پیشینه‌های با ارزش کشور خود را جمع‌آوری و حفاظت می‌کنند و در جهت اشاعه اطلاعات برگرفته از اسناد می‌کوشند. این‌گونه سازمانها، در سراسر جهان هدف یکسانی دارند و وظیفه اصلی آنها مشابه یکدیگر است و به نامهای مختلف خوانده می‌شوند.

در کشور ما نیز، دو واژه اسناد و آرشیو، براحتی به جای یکدیگر به کار می‌روند و گاهی در کنار هم دیده می‌شوند، همانند: «اداره کل آرشیو وزارت امور خارجه»، «مرکز آرشیو و اسناد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»، «سازمان اسناد ملی ایران!» حال باید بررسی کرد که عنوان اسناد ملی صحیح و برانزده است یا آرشیو ملی؟

برای جداسازی حوزه کارکردی این دو مفهوم و گزینش عنوانی سنجیده برای سازمانهای یاد شده، پژوهشی صورت گرفت. در این پژوهش، نخست معانی مختلف اسناد و آرشیو مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه وظایف سازمانهای مسئول و حافظ سند به طور مختصر بیان شده؛ سپس با تطبیق این دو مبحث، بهترین عنوان برای این تشکیلات سازمانی در کشور پیشنهاد گردیده است.

الف- بررسی واژه اسناد

اسناد، جمع «سند» است. سند، در لغت به معنی دلیل، رسید، قبض، مدرک، و نوشته‌ای است که درخور استفاده یا استناد باشد. همچنین به معنای چیزی است که پشت بر آن دهند؛ تکیه‌گاه؛ مهر و امضای قاضی؛ حکم و فرمان پادشاه؛ چک؛ دستنوشته و مکتوبی که بدان اختیار شغل یا ملکیت کسی واگذار شود؛ و نیز به معنی نوشته‌ای آمده که قابل استناد باشد.

از دیدگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سند در دو

معنای خاص و عام به کار می‌رود. در معنای خاص، متنی را گویند که برای ثبت رویداد خاصی، در یک یا چندین نسخه محدود تولید می‌شود. این‌گونه اسناد را، معمولاً در آرشیوها و بایگانیها نگه می‌دارند و در شمار انتشارات عمومی قلمداد نمی‌شوند. در مفهوم عام، هر نوع نوشته خطی، چاپی، عکسی یا مانند اینها و هرگونه شیء مادی است که بتوان از محتوای آن اطلاعاتی به دست آورد. این نوع اسناد را، معمولاً در نسخه‌های فراوان و با شمار بسیار منتشر می‌کنند.^۱

در اینجا، به تعریفهای گوناگون سند از دیدگاههای مختلف اشاره می‌شود:

۱- تعریف سند در چندین واژه نامه:

• تکیه‌گاه و آنچه پشت بدو دهند. (لغتنامه دهخدا)

• آنچه قابل اعتماد باشد؛ مدرک مستند. (فرهنگ مشیری)

• نوشته‌ای که قابل استناد باشد. (فرهنگ معین)

• مهر و امضای قاضی؛ حکم و فرمان پادشاه، چک، دستنوشته و مکتوبی که بدان اختیار شغل و ملکیت را به کسی بدهند. (فرهنگ معین)

۲- تعریف سند از دیدگاه حقوق اسلامی:

در اصطلاح فقه اسلامی، روایت هر حدیث را «سند» گویند. سند، به معنی طریق متن است و منظور از متن، متن حدیث است که آن را لفظ حدیث گویند و معنی سند به طریق متن، از آن روست تا دانسته شود که حدیث، مأخوذ از قول چه کسی است.

۳- تعریف سند از دیدگاه قانون مدنی (ماده ۱۲۸۴):

«سند، عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع، قابل استناد باشد.»

۴- سند در نگاه قوانین مالی ایران:

در قوانین مالی ایران، سند به صورت کلی

دیداری و شنیداری که اشخاص حقیقی یا حقوقی پدید آورده‌اند و دارای ارزش نگهداری است.»
اصطلاح «دبیزه»، از دو جزء «دب» و «ئیزه» ساخته شده و معادل Document است. جزء «دب» یا «دپ» را در واژه‌های دبیر، دبیرستان و دبستان نیز می‌توان دید و عربی شده آن، واژه «ادب» می‌باشد. هم‌خانواده دیگر «دب» در زبان فارسی، «دبیزش» است که برخی از پژوهشگران، آن را در حوزه کتابداری به معنی «سندداری» به کار برده‌اند.

اصطلاح دبیزش و سندداری، معادلی است برای Documentation که در زبان انگلیسی، دست‌کم در سه معنی مرتبط با کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌کار می‌رود:

۱. فرایند نظام‌مند گردآوری، سازماندهی، ذخیره‌سازی، بازیابی، و اشاعه مدارک تخصصی بویژه مدارک علمی، فنی یا حقوقی، برای تسهیل در پژوهش یا حفاظت از سوابق سازمانی؛

۲. تشکیل مجموعه‌ای از مدارک مرتبط به یک موضوع، و به کارگیری آن در مقام جانشین واقعیتها؛

۳. در حوزه نشر و نگارش، عمل استناد به منبع نقل قول مستقیم یا تکه برگرفته، یا اندیشه‌ای که تعلق به نویسنده ندارد، و یا اطلاعات معین برای تقویت دیدگاه یا استدلالی خاص و پشتیبانی از آن، و یا اجتناب از دزدی ادبی یا نقض قانون حق مؤلف.^۴

ب- بررسی واژه آرشیو

واژه آرشیو، ریشه یونانی دارد و در بیش‌تر زبانهای کنونی جهان، با اندکی توفیر در تلفظ به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که در انگلیسی archive، در فرانسه archive، در ایتالیائی archivio، در اسپانیائی archivo، در آلمانی archiv، در هلندی archief، در روسی ApXNB، در لهستانی archiwow، در مالائی باهاسا (مالزیائی)

تعریف نشده، بلکه برحسب مورد تعریف گردیده است. ماده ۱۶ قانون محاسبات عمومی، مکتوب ۲۱ صفر ۱۳۲۹، می‌گوید: بودجه دولت، سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی، برای مدت معینی در آن پیش‌بینی و تثبیت می‌گردد. مدت مزبور را سند مالیه گویند که عبارت است از یک سال شمسی.

۵- تعریف سند از دیدگاه اصول حسابداری:

هر نوشته‌ای که ذمه شخص حقیقی یا حقوقی را - که به نحوی با سازمان طرف حساب و معامله است - مشغول یا بری نماید، یا مبین پرداخت وجهی جهت خرید کالا یا خدمات و یا حاکمی از انعقاد قرارداد یا وقوع عقدی باشد و یا از آثار ناشی از حقوق خاصی حکایت نماید، به شرط وجود اهلیت و دارا بودن امضای مجاز لازم برای رسیدن به یکی از مقاصد، سند می‌شمارند.

۶- تعریف سند در قانون سازمان اسناد ملی ایران:

کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکسها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلمها، نوارهای ضبط صوت و سایر اسنادی که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به طور مداوم یا غیرمداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضائی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی، به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشد.^۵

۷- تعریف سند از دیدگاه دانش کتابداری:

هر نوع نوشته خطی، چاپی، عکسی و یا به صورتهای دیگر، و هر شیء مادی را - که بتوان از محتوای آن اطلاعاتی به دست آورد - «دبیزه» یا «مدرک» گویند.^۶

باتوجه به معانی گوناگون سند از منظرهای مختلف، تعریف زیر را می‌توان به عنوان عمومی‌ترین تعریف برگزید:

«سند، عبارت است از اطلاعات مضبوط نوشتاری،

arkib، و در عربی «آرشیف» است.^۵

برای آرشیو نیز معانی مختلفی بیان شده است. واژه آرشیو، برگرفته از کلمه یونانی آرشیون (به معنای دفتر یا ساختمان اداری) است و در فارسی، به معنای بایگانی یا محل نگهداری اسناد، اوراق، تصاویر، پرونده‌ها، صفحات موسیقی و جز آن، آمده است. آرشیویست نیز به بایگان، ضبط و مأمور نگهداری آرشیو، تعبیر شده است.

آرشیو در اصطلاح، به مجموعه سوابقی گفته می‌شود که خود، حاصل فعالیت‌های روزمره و مستمر دیوان‌های سابق و ادارات کنونی است و معمولاً شامل نوشته‌ها و اسنادی نظیر شرح وظایف، دستور‌ها، خط‌مشی‌ها، تشکیلات، فعالیت‌های اجرایی، و نیز مسائل حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، و هر نوع اوراق مهم دیگر نظیر قبale‌های فروش، رقبات و پیش‌نویس مکاتبات است که به سبب ارزش دائمی آنها، در محلی به همین نام نگهداری می‌شوند.

در تعریفی دیگر، آرشیو، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از سوابق، شامل نامه‌ها، کتابها، نقشه‌ها، نوارهای صوتی، محمل‌های دیداری و شنیداری و دیگر مواد ارزشمندی است که در جریان مسائل حقوقی یا معاملات تجاری، تولید و دریافت و به سبب دارا بودن ارزش دائمی، ثبت و ضبط و نگهداری شده‌اند.

آرشیوها، از مهم‌ترین مراکز اطلاعاتی شمرده می‌شوند که منحصراً بر اثر فعالیت‌های سازمان، خانواده و یا حتی فردی واحد، پدید می‌آیند و گسترش می‌یابند و به طور خلاصه، عبارت از مجموعه‌ای از اسناد می‌باشند.^۶

افزون بر تعریف‌های فوق، معنی دیگری هم از آرشیو در منابع مختلف آرشیوی دیده می‌شود. برطبق تعریف اخیر، مکان نگهداری اسناد هم آرشیو نام دارد و نیز به کلیه اموری که درباره اسناد انجام می‌شود، از گردآوری گرفته تا ارائه خدمات اسنادی به همگان، آرشیو کردن و آرشیوسازی گویند.^۷

اسناد ملی یا آرشیو ملی؟

از تعاریف فوق، این مفهوم استنباط می‌شود که در همه جا واژه‌های «اسناد» و «آرشیو»، دو مقوله کاملاً منطبق بر هم نیستند و کاربری‌ها و جایگاه‌های متفاوتی دارند. بنابراین، شایسته است این دو واژه به جای همدیگر به کار برده نشود. در واقع، آرشیو، «مجموعه‌ای از اسناد»، «مکان نگهداری اسناد» و نیز «فرایندی است که درباره اسناد به انجام می‌رسد».

آرشیوها، از اسناد ساخته شده‌اند و درحقیقت، مواد اولیه آرشیوها اسناد است که در جریان فعالیت‌های سازمان یا برپایه زندگی فرد یا گروهی از افراد، تولید و جمع‌آوری می‌شوند. برای نمونه، آرشیو فردی شامل تمام نامه‌ها، یادداشت‌ها، خاطرات، عکسها و هر نوع پیشینه‌ای است که خود او فراهم آورده یا به وی مرتبط می‌باشد.

آرشیو هر سازمان، شامل انواع مختلفی از سوابق در زمینه و موضوعات مدیریتی و تجاری، یادداشت‌های اداری، صورتجلسات و مانند اینها می‌باشد.

به طور کلی، آرشیوهای شخصی، سازمانی و گروهی، دربرگیرنده سوابقی است که ارزش ماندگاری درازمدت دارند و مربوط به آن شخص، سازمان و گروه می‌باشد.

چون آرشیو مجموعه‌ای است از اسناد و سوابق، بنابراین مجموعه‌ای از اسناد ملی را - که مربوط و متعلق به یک ملت است - می‌توان آرشیو ملی خواند. طبق تعریف آرشیو، به محل نگهداری این سوابق نیز، آرشیو ملی گفته می‌شود.

درحقیقت، آرشیو ملی، نوعی سازمان آرشیوی و دربرگیرنده مؤسساتی است که حالت محلی، دولتی، فدرال، و ملی دارند. بهره‌برداری از آرشیو ملی، همگانی است. گزارشگران، نویسندگان، تاریخ نگاران، دانشجویان، شجره‌نویسان، و هر کسی که جویای اطلاعاتی درباره تاریخ کشور خود می‌باشد،

می‌تواند کاربر آرشیو ملی به شمار آید.^۸

آرشیوهای ملی، مسئول حفظ و نگهداری اسناد ملی و اشاعه اطلاعات درباره آنها می‌باشند. از مهم‌ترین ویژگی و وظایف این‌گونه سازمانها، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱- آرشیوهای ملی، تشکیل دهنده حافظه دولتها، ملتها و نهایتاً حافظه جهانی هستند.

۲- آرشیوهای ملی، نگهبان هویت ملتها می‌باشند. بدون شناخت و تقویت هویت ملتها، جوامع از مصونیت خارج می‌شوند و مانند فردی مستعد در برابر بیماریها، آسیب‌پذیر خواهند بود.

۳- آرشیوهای ملی، در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صحیح براساس سوابق و شواهد تاریخی، به دولتها کمک می‌کنند و در واقع، ابزار مشورتی آنها هستند. نقش اسناد در برنامه‌ریزیهای کلان و دید بخشیدن به وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی، بویژه در چشم‌انداز توسعه کشور و ایجاد عدالت اطلاعاتی و فراهم ساختن فرصتها برای دسترسی جامعه پژوهشگر به اطلاعات، به مثابه بانک اطلاعاتی قوی و کارآمد قلمداد می‌شود.

۴- از مهم‌ترین وظایف آرشیو ملی، برنامه‌ریزی در زمینه شناسائی، انتقال و نگهداری اسناد حائز ارزش نگهداری دائمی است؛ فعالیتی که نیازمند دقت و وسواس فراوان است؛ به گونه‌ای که هم از امحای اسناد با ارزش جلوگیری شود و هم مانع از انتقال و نگهداری اوراق زائد گردد. برای این منظور، شورای اسناد ملی، با وظیفه اساسی تشخیص اوراق زائد و صدور مجوز امحا برای آنها، در قانون پیش‌بینی شده است، تا بدین وسیله نظارت همه‌جانبه را بر فرایند امحای اوراق و انتقال اسناد، میسر سازد. طبق بررسیها، به طور متوسط پنج درصد از سوابق تولید شده در مؤسسات دولتی سراسر دنیا، برای نگهداری دائم به آرشیو ملی منتقل می‌شود و مابقی آنها امحا می‌گردد.

هنگامی که واژه «اسناد» به صورت ترکیبی با یکی از واژه‌های مرکز، سازمان، اداره، مؤسسه یا با واژه‌های مشابه به کار می‌رود، به مفهوم آرشیو نزدیک‌تر می‌شود. مرکز اسناد، اداره اسناد، و سازمان اسناد، همان مفهوم آرشیو را به ذهن می‌رساند. به جای ترکیب آرشیو ملی، می‌توان از «سازمان اسناد ملی» یا «مرکز اسناد ملی» استفاده کرد نه «اسناد ملی»! اما واژه آرشیو، بر «سازمان اسناد» و «مرکز اسناد» چربش دارد!

برخی به اشتباه واژه آرشیو را با واژه‌های مرکز یا سازمان و واژه‌های مشابه دیگر ترکیب می‌کنند و عباراتی نظیر مرکز آرشیو یا سازمان آرشیو می‌سازند؛ ولی ساخت این ترکیبها، به دلیل تکرار مفهوم «سازمان» در آنها، کاملاً اشتباه است. زیرا طبق تعریف دوم آرشیو، به سازمان یا محل نگهداری مجموعه اسناد هم آرشیو می‌گویند.

شمارکشورهائی که واژه آرشیورا به جای سازمان اسناد برگزیده‌اند، به نسبت بقیه بسیار زیادترند.^۹

در ایران، به جای واژه آرشیو، عبارت ترکیبی «سازمان اسناد» را برگزیده‌اند؛ ولی همین امر موجب شده که برخی، «آرشیو ملی» را معادل «اسناد ملی» بدانند. اما برپایه مطالب پیشگفته، معادل‌سازی سنجیده و صحیحی به نظر نمی‌رسد. نکته حائز اهمیت، این است که اگر واژه آرشیو انتخاب شود، معادل لاتین آن هم باید Archive انتخاب شود و چنانچه سازمان اسناد و یا مرکز اسناد برگزیده شود، معادل مناسب آنها را در لاتین باید به کار برد!

نتیجه‌گیری

موضوعات آرشیو و اسناد، دو مقوله جداگانه‌اند؛ از این رو، کاربردها، مفهومها و تعریفهای جدا از هم دارند. زیرا آرشیو، ظرف است و اسناد، مضمون آن. از سوئی، چون واژه آرشیو از اقبال جهانی

برخوردار می‌باشد و در اغلب کشورها و مجامع بین‌المللی به یک مفهوم همگانی به کار می‌رود، شایسته است در کشور ما نیز، عنوان جهانگستر «آرشیو ملی» به جای ترکیب ناجامع و نافراگیر «اسناد ملی» استفاده شود.

◆ پی‌نوشتها

- ۱- افسانه تیموری‌خانی، «سند»، *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ویراسته عباس حری (تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۸۱)، ص ۱۰۷۴.
- ۲- قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷ ش، تبصره ماده اول.

[3-http://www2.irib.ir/occasions/Asnad/Asnad.html](http://www2.irib.ir/occasions/Asnad/Asnad.html)

۴- مرضیه هدایت «سندپدازی» *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ویراسته عباس حری (تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۸۱)، ص ۱۰۷۶.

۵- آرشیو ملی یا بایگانی ملی (یادداشت سردبیر)، *گنجینه اسناد*، سال پانزدهم، دفتر سوم (پائیز ۱۳۸۴)، ص ۳.

۶- میترا صمیعی «آرشیو» *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ویراسته عباس حری (تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۸۱)، ص ۱۹.

۷- آن پدرسون، *نگهداری اسناد*، ترجمه رضا مهاجر (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰)، ص ۵.

۸- همان.

۹- همان.

